



همراهی قرآن با ولایت منجر به مصونیت اسلام می شود/ نتایج شوم سقیفه تا به امروز جهان اسلام را رها نکرده است

آیت الله مظاهری عدم پایبندی مسلمانان به بیعت خویش با امیرالمؤمنین(ع) در روز غدیرخم را موجب مصیبت‌های فعلی در جهان اسلام خواند و گفت: سقیفه ...

آیت الله مظاهری عدم پایبندی مسلمانان به بیعت خویش با امیرالمؤمنین(ع) در روز غدیرخم را موجب مصیبت‌های فعلی در جهان اسلام خواند و گفت: سقیفه موجب به انزوا کشاندن امیرالمؤمنین (ع) شد، شجره خبیثه را رشد داد و خواه ناخواه، میوه آن بنی امیه و بنی عباس شدند و کم‌کم منجر به تجزیه عالم اسلام گردید و کار مسلمین را به جایی رسانده است که امروزه، استکبار جهانی بر جهان اسلام تسلط کامل دارد. به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله مظاهری طی سخنانی به مناسبت روز غدیرخم به مسئله جایگاه ولایت و امامت در اندیشه شیعه پرداخت که در پی می آید:

نبوت و ولایت، دو بال برای صعود

تشیع دو بال برای صعود و پرواز دارد، یکی رسالت و دیگری ولایت. رسالت منهای ولایت ناقص است و ولایت منهای رسالت نیز ناقص است. در واقع، کمال در وقتی است که تشیع این دو بال را در کنار هم و با هم داشته باشد. این دو بال، همان ثقلین است که رسول خدا(ص) در طول بیست و سه سال دعوت و تبلیغ، بارها و بارها به الفاظ گوناگون و محتوای یکسان، بر آن تأکید فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَن تَضَلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي وَ أَهْلَ بَيْتِي فَاتَّبِعُوا لَن يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ». من از دنیا می‌روم و دو چیز جانشین من است: یکی قرآن و دیگری اهل بیت. این روایت شریف که متواتر نیز هست، مبین این آیه است که می‌فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا».

یعنی قرآن منهای ولایت، معنا ندارد. به قول یکی از اهل سنت، قرآن منهای ولایت مثل آن است که بگویند کتاب قانون بوعلی سینا، استاد لازم ندارد! معلوم است این حرف اشتباهی است؛ کتاب‌های قانون و شفای بوعلی سینا، اسفار صدرالمتألهین، فرائد شیخ انصاری، کفایه مرحوم آخوند و امثال آن، بسیار کتب وزین و والایی است، اما یادگیری آن، استاد و به عبارت دیگر، مبین می‌خواهد. ضرورت وجود مبین در کنار قرآن، با صراحت تمام در خود قرآن بیان شده است: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»

زنگ خطر انحراف

خداوند سبحان در روز غدیر، با آیات نازل شده، پس از معرفی ولایت، زنگ خطر می‌زند و می‌فرماید: «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَ أَحْشَوْهُمْ» دیگر از دشمن نترسید، وقتی که اسلام ولایت پیدا کرد، وقتی ولایت با قرآن همراه شد، اسلام مصونیت دارد و بیمه است. اما از من بترسید. عبارت «وَ أَحْشَوْهُمْ»، یک نکته عجیبی دارد و یک معجزه است؛ یعنی مواظب باشید بین شما اختلاف نیفتد. مواظب باشید سقیفه بنی ساعده جلو نیاید که اگر چنین شد، از هر دشمنی برای شما بدتر است. اگر اختلاف ایجاد شد، شکست می‌خورید و نمی‌توانید در دنیا و آخرت سر بلند باشید و نمی‌توانید ادعا کنید: «الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَ لَا يُغْلَى عَلَيْهِ»؛ در حقیقت، در آیه اکمال، به قضیه سقیفه بنی ساعده هم اشاره شده است.

تأکید بر بیعت

پس از نزول آیات واقعه غدیر که افتخاری برای شیعه است، پیغمبر اکرم(ص) با اینکه پیام را به همه ابلاغ فرموده بودند و کسی در آن اختلافی نداشت، از جانب خداوند متعال، دستور دادند که همگان باید با امیرالمؤمنین(ع) بیعت کنند؛ لذا سه شبانه روز همه مردم را در آن بیابان نگه داشتند تا بیعت کنند. تعداد این افراد را از سی هزار تا صد و بیست هزار نفر نوشته‌اند. یک بیابان حاجی از مکه برگشته، اعم از زن و مرد، با امیرالمؤمنین(ع) بیعت کردند. مورخین از شیعه و اهل سنت نوشته‌اند عمر بن خطاب جزء اولین کسانی بود که بیعت کرد. جمله رسا، پرمحتوا و خوبی هم گفت که پس از او مردم معمولاً همان جمله را برای بیعت با امیرالمؤمنین(ع) تکرار می‌کردند. وی دست امیرالمؤمنین(ع) را گرفت و گفت: «بِخ بَخ لَكَ يَا أبا الحسن لقد أصبحت مولاي و مولی کلّ مؤمن و مؤمنة» سپس ابو بکر، عثمان، طلحه، زبیر و سایر اصحاب بیعت کردند و پس از آنان، مابقی مهاجرین و انصار و همه مردم تا سه روز با امیرالمؤمنین(ع) بیعت کردند و پیامبر اکرم(ص) با هر بیعتی «الحمد لله» می‌گفتند. وقتی بیعت مردها تمام شد، نوبت به زنان رسید. پیامبر اکرم(ص) دستور دادند ظرفی را پر از آب کردند و امیرالمؤمنین(ع) در این آب دست زدند و از خیمه بیرون آمدند. سپس خانم‌ها به آن خیمه می‌رفتند و دستشان را در آن قدح آب می‌زدند و اینگونه بیعت می‌کردند.

این سه روز تمام شد و همه بیعت کردند. این واقعه در تاریخ اسلام مسلم و قطعی است و احدی از شیعه و سنی، آن را رد نکرده یا در آن تشکیک نکرده است. برخی از مورّخین نوشته‌اند پس از ابلاغ پیامبر اکرم(ص) فردی ناشناس، اما لجوج و خودسر که معروف هم نبود، مقابل حضرت آمد و گفت: «یا رسول الله! کاری که انجام دادی از طرف خودت بود یا از طرف خدا؟! اگر از خودت بود، قبول ندارم و اگر از خدا بود، نمی‌توانم ببینم که من زنده باشم و علی ولی الله باشد. لذا از خدا بخواه آتشی بیاید و مرا نابود کند.» من تصوّر می‌کنم او قصد داشته بحرانی در آن فضا ایجاد کند. حضرت فرمودند: تا وقتی اینجا و نزدیک ما باشی، عذابی بر تو نازل نمی‌شود، باید دورتر بروی تا عذاب تو را نابود کند. عرب بیابان‌گرد بر شترش سوار شد و همان‌طور با حالت قهر و شکایت دور شد. اندکی بعد سوره معارج نازل شد. برخی می‌گویند همه سوره و برخی می‌گویند فقط آیات اولیه آن نازل شد: «يَسْمُ اللَّهُ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ ، سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ، لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ» یا رسول الله! آنچه او می‌خواست، واقع شد. صاعقه و آتشی آمد و او را خاکستر کرد. این خبر مهم را پیامبر اکرم(ص) به مردم دادند و همگان از سرنوشت او آگاه شدند.

توجیه سقیفه بنی‌ساعده و ثمرات شوم آن

همه بزرگان شیعه و اهل سنت، واقعه غدیر و آیات نازل شده در آن را قبول دارند و به آن اقرار دارند. اما متأسفانه اهل سنت، برخلاف شیعیان بر این عقیده استوار نمانده‌اند. امت اسلامی از عمل نکردن به فرموده الهی: «وَ احْشَوْنِ» صدمه فراوانی خورد. با اینکه تردیدی در واقعه غدیر و نزول آیات آن وجود نداشت، سقیفه بنی‌ساعده تشکیل شد و عامل بدبختی مسلمین شد.

برخی از اهل سنت در توجیه سقیفه، معتقدند پیغمبر اکرم(ص) اشتباه کرده‌اند و پس از وفات پیامبر، مسلمان‌ها صلاح امت را در این دیدند که فردی جز امیرالمؤمنین علی(ع) حاکم باشد! این خلاصه حرف آنها است. این اقدام خودسرانه که موجب به انزوا کشاندن امیرالمؤمنین (ع) شد، شجره خبیثه را رشد داد و خواه ناخواه، میوه آن بنی امیه و بنی عباس شدند و کم‌کم منجر به تجزیه عالم اسلام گردید و کار مسلمین را به جایی رسانده است که امروزه، استکبار جهانی بر جهان اسلام تسلط کامل دارد. ذخائر غنی مسلمین را چپاول می‌کند و کسی حرفی نمی‌زند و گاهی برخی از کشورهای اسلامی، افتخار نیز می‌کنند! اگر سقیفه بنی ساعده نبود و به این چند آیه عمل می‌شد، اگر مردم به بیعت خود پای‌بند بودند و از آن سر بر نمی‌تافتند، اکنون حکومتی جهانی و دنیایی منهای فقر و فساد و تبعیض و ظلم، وجود داشت. زندگی بشری سرشار از فضائل و نیکی‌ها بود و علم در آن با فضائل هم‌زاد می‌شد و ردائل نابود شده بود.

اراده الهی تحقق می‌یابد

به هر حال، پس از غدیر، به دستور قرآن و خواست الهی پیامبر گرامی عمل نشد و شد آنچه نباید بشود. اما قاعده لطف اقتضاء می‌کند حال که سقیفه بنی ساعده و در پی آن مصائب فراوان برای امت اسلامی پیش آمده است، روزی مصلح جهانی ظهور فرماید و جهان را از ظلم و بیداد، تهی و سرشار از فضائل و نیکی‌ها کند. لذا باید همگان بالاخص شیعیان، خود را برای حکومت عدل الهی مهیا کنند و برای امر فرج دعا نمایند. وقتی همه مهیای حکومت الهی شدند، ظهور محقق خواهد شد. بسیاری از افراد ادعای انتظار می‌کنند، اما در عمل اثبات می‌کنند که دروغ می‌گویند. از نظر عقیده و محبت بسیاری از افراد منتظر و مشتاق ظهور امام زمان(عج) هستند، اما خود را برای ظهور مهیا نمی‌کنند. باید بدانیم همین مقدار که ما منتظر ظهور امام زمان(عج) هستیم، آن حضرت هم منتظر ما هستند. یعنی منتظرند که ما برای انقلاب جهانی مهیا شویم.

انقلاب دفعی و تدریجی

بارها متذکر شده‌ام که امام زمان(عج) دو انقلاب دارند: یکی انقلاب تدریجی که باید به دست منتظران آن حضرت ایجاد شود و یکی هم انقلاب دفعی که خداوند پدید می‌آورد، ولی متوقف بر انقلاب تدریجی است. بنابراین انقلاب دفعی نیز به دست ماست. یعنی تا وقتی به دست شیعیان، انقلاب تدریجی رخ ندهد، به عبارت رساتر تا وقتی شیعیان صددرصد و از همه لحاظ، برای ظهور آماده و مهیا نشوند، خبری از انقلاب دفعی نخواهد شد. لذا بارها از امام زمان «ارواح‌افاده» نقل شده است که آن حضرت منتظر مهیاشدن شیعیان هستند. آن حضرت منتظرند شرایط با انقلاب تدریجی فراهم شود، ولی کسی واقعاً به فکر نیست.

طبق قاعده لطف نیز معنا ندارد که برای انقلاب دفعی زمینه‌سازی شود، اما خداوند حکیم انقلاب دفعی را محقق نسازد. بنابر این به دنبال انقلاب تدریجی، یقیناً انقلاب دفعی رخ خواهد داد. اگر چنین نباشد، به معنای آن است که العیاذبالله، خدا ظالم است.

یعنی اگر زمینه برای ظهور باشد، ولی خداوند آن را محقق نکند، ظلم به بندگان است، در حالی که خداوند متعال، یک ذره ظلم روا نمی‌دارد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ»، «وَأَنَّ اللَّهَ لَيُضِلُّهُمُ لِلْعُبُودِ». پس هرچه هست، از قامت ناساز و بی‌اندام ماست. مائیم که باید انقلاب تدریجی را مهیا کنیم تا انقلاب دفعی توسط امام زمان با معجزه و خرق عادت، به وقع بپیوندد.

در انقلاب دفعی، به یک شبانه‌روز، حضرت ولی عصر(عج) بر جهان مسلط می‌شوند و در شش شبانه‌روز، حکومت ایشان مستقر می‌گردد. استمرار حکومت جهانی حضرت مهدی(عج)، معجزه نیست، بلکه پیاده شدن کامل دستورات دین مبین اسلام است. وقتی به همه فرامین اسلام عمل شود، یک زندگی بهشتی برای همگان ایجاد می‌شود. در این حکومت عدل، قانون اساسی مصحف حضرت فاطمه(س) است و یک زندگی توأم با فضائل و خالی از رذائل برای همگان فراهم خواهد شد.

چگونگی انقلاب دفعی

قرآن کریم، برای تبیین انقلاب دفعی و تقریب به ذهن چگونگی وقوع آن، آیات فراوانی دارد. مثلاً در داستان حضرت سلیمان(ع) آمده است که به حضرت سلیمان خبر دادند اهل یک سرزمین خورشیدپرست هستند و ملکه آنها یک زن است. پس از مقدّماتی، حضرت سلیمان(ع) یک جلسه گرفت و در آن جلسه گفت: چه کسی هست که تخت بلقیس را برای من بیاورد؟! یکی از اجته گفت پیش از آنکه از جای خود برخیزد، آن را حاضر می‌کنم. ایشان گفتند زمان زیادی است. بالاخره آصف بن برخیا که وزیر سلیمان بود و به تعبیر قرآن کریم قطره‌ای از دریای علم قرآن را داشت، گفت: اجازه بدهید من با یک چشم به هم زدن، تخت را می‌آورم:

«قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَتَاكَ بِهٖ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ»، حضرت سلیمان(ع) اجازه داد و او به یک چشم بر هم زدن، تخت بلقیس را حاضر کرد. وقتی بلقیس نزد حضرت سلیمان آمد، حضرت به او گفت: «أَهْكَذَا عَرْشُكَ» آیا این تخت توست؟ بلقیس گفت: «كَأَنَّهُ هُوَ» مثل اینکه خود آن است.

تنوین «عِلْمٌ» در آیه «عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» تنوین «تنکیر» است و دلالت بر «قُلْتُ» می‌کند، پس از علم نیز «مِنَ الْكِتَابِ» آمده است، یعنی قطره ای از دریا. یعنی کسی تخت عظیم بلقیس را بر یک چشم بر هم زدن آورد که تنها قطره‌ای از علم قرآن را داشت. اما همه علم قرآن که قطره‌ای از آن در اختیار آصف بن برخیا بود، در اختیار حضرات معصومین(ع) و امام زمان «ارواح‌افدا» است: «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتُ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ». مشرکین به رسول خدا(ص) می‌گویند تو پیامبر نیستی. در پاسخ آنان بگو من پیامبرم و دو شاهد دارم یکی قرآن و دیگری کسی که همه علم قرآن را دارد، یعنی علی بن ابی‌طالب(ع). امام باقر(ع) ذیل این آیه شریفه فرموده‌اند: «إِنَّا نَا عَتَىٰ وَ عَلِيٌّ أَوْلُنَا وَ أَفْضَلُنَا وَ خَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ». امام زمان(عج) همه علم قرآن را دارند. آصف بن برخیا با قطره‌ای از دریای علم قرآن، توانست با یک چشم برهم زدن، تخت بلقیس را به شام بیاورد و بالاخره یمن را مسخر کند. بنابراین کسی که همه علم قرآن را دارد، حتماً می‌تواند به یک شبانه روز بدون خونریزی بر جهان مسلط شود.

استقرار و استمرار حکومت عدلی الهی

اینکه بعضی نقل می‌کنند امام زمان(عج) افراد زیادی را می‌کشند، صحیح نیست و از اسرائیلیات است؛ بلکه آن حضرت با علم قرآن، در شش شبانه روز در جهان مستقر می‌شوند و حکومت اسلامی و قرآنی تشکیل می‌دهند. پس از آن برای اداره حکومت جهانی خود، مؤمنین خالص و نیکوکار را به کار می‌گیرند. از این رو شیعیان وظیفه دارند خود را برای اداره چنین حکومتی آماده کنند و به‌گونه‌ای عمل نمایند که لیاقت کارگزاری در حکومت عدل مهدوی را پیدا کنند.

حضرت ولی عصر(عج) جهان را پر از عدل داد می‌کنند و پس از ایشان، سایر معصومین رجعت می‌کنند و هزاران سال حکومت الهی برقرار می‌گردد. در تمام آن حکومت، حضرت زهرا(س) حضور دارند و چنانکه امام زمان(عج) فرموده‌اند، آن حضرت الگو و اسوه آنان است: «فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ». و مصحف ایشان نیز قانون اساسی دروان حکومت اهل بیت «سلام‌الله‌علیهم» خواهد بود.

پدیدار شدن این بهشت دنیایی، حتمی است. قطع نظر از صدها روایت درباره آینده روشن بشری، عقل حکم می‌کند که نمی‌شود در این دنیا برای اجتماع انسان‌ها، یک بهشت دنیایی وجود نداشته باشد. حتماً روزی فرا می‌رسد که یک زندگی منهای فقر، منهای تبعیض و ظلم، منهای بیماری و مشکلات برای انسان‌ها ایجاد می‌شود. در روایات نیز بیان شده است که حکومت اهل بیت، روزی در جهان پیاده می‌شود و میلیون‌ها سال طول می‌کشد و بهشت دنیا برای همه بشریت پدیدار می‌گردد.